

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی؛ شماره ۱۶؛ ص ۷۰

درآمدی بر طبقه بندیهای اندیشه سیاسی اسلامی

نویسنده: نجف لك زایی

اندیشه سیاسی اسلام و مسلمانان مقوله ای است که در جهان معاصر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. اندیشه تجدید حیات سیاسی در جهان اسلام موجب شد که از يك سو مؤسسات مطالعاتی در مغرب زمین به بنیادهای فکری سیاسی در میان مسلمانان توجه کنند و از دیگر سوی، محققان مسلمان نیز به ذخایر کهن سیاسی خود نگاهی دوباره بیفکنند. بدیهی است که این پژوهشها و مطالعات در يك سطح نبوده و از نظر روش و محتوا قابل ارزیابی و درجه بندی هستند. در این مقاله هدف این است که نوع نگاه این مطالعات و پژوهشها به اندیشه سیاسی مسلمین و طبقه بندیهایی که در این باره ارائه داده اند، مورد شمارش و احیاناً نقد و بررسی قرارگیرد تا پس از آن بتوانیم با نگاه روشمندتری به میراث سیاسی اسلامی پردازیم. این طبقه بندیها از يك جهت به دو گروه تقسیم میشوند: طبقه بندیهایی که به اندیشه سیاسی اسلامی پرداخته اند و آنها که فقط به اندیشه سیاسی شیعه پرداخته اند. در این مقاله به ترتیب مباحث زیر را خواهیم داشت:

۱- طبقه بندیهای عام؛ ۲- طبقه بندیهای ویژه اندیشه سیاسی شیعه؛ ۳- ملاحظات؛ ۴- طبقه بندی پیشنهادی.

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۷۱

۱. طبقه بندیهای عام

۱-۱. طبقه بندی نصر محمد عارف

نصر محمد عارف در کتاب " فی مصادر التراث السياسي الاسلامی " در يك نگاه روش شناسانه منابع اندیشه سیاسی اسلامی را در دو طبقه قرار داده است:

الف. منابعی که وی آنها را " میراث سیاسی اسلام " دانسته و از نظر وی منابع اصیل هستند.

ب. منابع جدید که به نظر وی متأثر از غرب هستند. به نظر دکتر نصر آنچه در عصر جدید در مورد اندیشه سیاسی اسلامی در جهان عرب به نگارش در آمده بر مبنای اروپا محوری بوده و به نوعی می توانیم ترجمانی از اندیشه غربی بوده است.

با توجه به آنچه آمد، میتوانیم بگوییم از نظر دکتر نصر دو نوع اندیشه سیاسی اسلامی داریم:

الف) اندیشه سیاسی اسلامی اصیل

ب) اندیشه سیاسی اسلامی غرب گرا دکتر نصر در ادامه منابع مربوط به اندیشه سیاسی اسلامی اصیل را در دو بخش طبقه بندی کرده است:

اول. آثاری که تماماً سیاسی هستند.

دوم. آثاری که به صورت غیر مستقیم به مباحث و مسایل سیاسی پرداخته اند.

وی منابع بخش دوم را در نه گروه برشمرده است:

۱- تفاسیر قرآن و شروح احادیث؛

۲- کتابهای فقهی؛

۳- کتابهای اصول فقه؛ بویژه مباحثی چون استحسان و مصالح مرسله؛

۴- بحثهای امامت در کتابهای کلامی؛

۵- خطبه های ائمه اطهار- علیهم السلام- و خلفا و نیز نامه ها و سلوک علمی آنها؛

۶- دایرة المعارفهایی که در ضمن به سیاست نیز پرداخته اند، مثل صبح الاعشی؛

۷- کتابهای تاریخ؛ که خود شامل انواعی است از جمله:

الف. تاریخ عمومی؛ مثل تاریخ طبری؛

ب. تاریخ سیاسی دولتها؛ مثل الامامه و السیاسه، تاریخ الخلفاء و الملوك و تاریخ

الدول الاسلامیه.

ج. تاریخ نظامهای سیاسی؛ مانند سیره صلاح الدین.

د. تاریخ نهادهای سیاسی؛ مانند الوزراء.

۸- ادبیات مردمی یا سیره های مردمی و سیره های علما و صالحین؛

۹- فرهنگ لغات و کتابهایی که به شرح و تعریف اصطلاحات می پردازند. این منابع بیشتر از آن رو اهمیت دارد که میراث سیاسی با مفاهیم اصلی و اصیل آن درک شود و نه آنچه در دوران متأخر از طریق فرهنگ اروپا به آن الفاظ تحمیل شده است. از تألیفات مهم در این زمینه میتوان به کشف اصطلاحات الفنون، مفردات، اساس البلاغه و مفاتیح العلوم اشاره کرد. [۱].

۲- ۱. محمدرضا حکیمی، دانش سیاسی مسلمین را در چهار گروه طبقه بندی کرده است. همه گروهها، از نظر ایشان، ذیل عنوان "فلسفه سیاسی" قرار دارند. به نظر ایشان چون دین اسلام، دینی کامل و جامع است، و خود، نظام اجتماعی ویژه ای را پی افکنده است، علمای اسلام همواره در صدد بوده اند تا نظام سیاسی اسلامی را نیز به صورتی منقح عرضه کنند. از این جاست که درحوزه فلسفه سیاسی اسلامی چند نظام سیاسی (حکمت عملی سیاسی) پدید آمده است. این نظامها عبارتند از:

الف. فلسفه سیاسی فلسفی:

این دستگاه به وسیله فلاسفه پی نهاده شده و مانند دیگر شعب فلسفه از نخله های قدیم و از مبانی کتاب و سنت، هر دو، استفاده کرده است. بنیانگذار این حکمت سیاسی در اسلام کتابها و مقالاتی است مانند: آراء اهل المدینة الفاضله، السياسات المدنیة، التنبیه علی سبل السعادة، تدبیر التوحید و ...

ب. فلسفه سیاسی کلامی:

این دستگاه را متکلمان عرضه داشته اند. زیرا متکلمان اسلامی، چه شیعه و چه معتزله و چه اشاعره، همه، در باره امامت و سیاست بحثهای مفصل کرده اند و در کتابهای کلامی خویش، نظام سیاسی خود را توضیح داده اند.

فلسفه سیاسی کلامی را در شعب ذیل میتوانیم دسته بندی کنیم:

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۷۳

۱- فلسفه سیاسی شیعه امامیه؛

۲- فلسفه سیاسی شیعه زیدیه؛

۳- فلسفه سیاسی شیعه اسماعیلیه؛

۴- فلسفه سیاسی معتزله؛

۵- فلسفه سیاسی اشاعره؛

۶- فلسفه سیاسی مرجئه؛

۷- فلسفه سیاسی خوارج.

به نظر آقای حکیمی علاوه بر کتابهایی مانند الشّانی فی الامامه، تجرید العقاید و التمهید، کتابهای الاحکام السلطانیه نیز در رده همین مقوله از فلسفه سیاسی اسلامی جای دارند. در صورتی که می دانیم این کتابها، عمدتاً فقه سیاسی هستند.

ج. فلسفه سیاسی فقهی:

مقصود از این نظام، نظام ویژه ای است که فقهای اسلامی، در باب حکومت و سیاست، در خلال ابواب و کتب فقه عرضه کرده اند. میرزا محمدحسین نائینی را باید یکی از چهره های برجسته این مکتب بدانیم. نیز کتاب ولایت فقیه امام خمینی داخل همین مقوله است.

د. فلسفه سیاسی اجتماعی:

این آراء و نظریات از میان کتب و تألیفات اسلامی قابل دریافت است و کمتر به تألیف مستقل در این باره توجه شده است. رفاعه رافع الطهطاوی، سید جمال الدین اسدآبادی، سید عبدالرحمن کواکبی، شیخ محمد عبده، محمد اقبال لاهوری، شیخ محمد خیابانی، سید عبدالحسین شرف الدین و محمد حسین کاشف الغطاء را میتوان از چهره های برجسته این شعبه از فلسفه سیاسی اسلامی دانست. [۲]

۳- ۱. علی اصغر حلبی معتقد است که آثار سیاسی اسلامی ایرانی در سه گروه قابل طبقه بندی است:

الف. سیاست دینی اسلامی:

این آثار بر پایه آیات قرآن، احادیث پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع)، استنباطات فقیهان، مجتهدان و عالمان دین فراهم آمده است.

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۷۴

ب. سیاست فلسفی اسلامی:

این آثار بر پایه تعالیم و آرای فیلسوفان یونان و روم و دانشوران و سیاستمداران ایرانی پیش از اسلام بنیانگذاری شده است.

ج. سیاست مرآتی یا سلوکی:

این آثار بر پایه تجارب سیاسی وزیران و رجال سیاست به نگارش در آمده است و تا حدود بسیار زیادی سیاست نظری و عملی را با هم دارد و نکته سنجی های دیوانیان با آیات قرآن و احادیث نبوی و اخبار معصومین (ع) در آنها تلفیق گشته است. وجه نامگذاری آن به "مرآتی" یا "سلوکی" برای این است که تصریحاً یا تلویحاً از حاکمان خواسته شده است که در آن کتاب چون آئینه ای بنگرند و رفتار و گفتار و کردار مندرج در آنها را به کار برند و در سلوک سیاسی خود آنها را راهنما قرار دهند. رساله الصحابه عبدالله بن مفتح، آثار جاحظ بصری، سیاست نامه خواجه نظام الملک طوسی، تاریخ بیهقی، قابوسنامه عنصر المعالی، نصیحة الملوك غزالی، کلیله و دمنه نصرالله منشی و سلوک الملوك فضل الله روزبهان خنجی، از این دسته به حساب می آیند. [۳]

همین نویسنده در تقسیم دیگری طبقه بندی پنج گانه ای را ارائه کرده است، بدون این که هیچ توضیحی در باره آن بدهد. طبق این تقسیم سیاست اسلامی از سوی گروههای زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. فقیهان (به ویژه فقیهان شافعی)؛

۲. سیاست نامه نویسان (مرآتی ها و سلوکی ها) و مورخان؛

۳. شاعران و سخنوران؛

۴. فیلسوفان؛

۵. متکلمان؛ [۴]

۴- ۱. ابوالفضل عزتی مکاتب سیاسی اسلامی را در گروههای زیر طبقه بندی کرده است:

الف. مکاتب سیاسی اسلام بر اساس مذاهب اسلامی: مکاتب سیاسی اهل سنت و شیعه، اسماعیلیه و غیره.

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۷۵

ب. مکاتب سیاسی اسلام بر اساس مذاهب اعتقادی و کلامی: مکاتب سیاسی اشعری، معتزله، خوارج، شیعه و سنی.

ج. مکاتب سیاسی اسلام بر اساس مکاتب حقوقی و فقهی: مکاتب حقوق سیاسی اهل سنت، شیعه.

د. مکاتب سیاسی اسلام بر اساس مکاتب فلسفی و فکری: مکتب فارابی، ابن سینا، ابن رشد و غیره.

ه. مکاتب سیاسی اسلام بر اساس تجزیه و تحلیل تاریخ اسلام: مکتب ابن خلدون و مکاتب دیگر. [۵]

۵- ۱. برخی در طبقه بندی اندیشه سیاسی از طبقه بندی سه گانه " شریعت نامه ها" " فلسفه نامه ها" و " اندرزنامه نویسی" استفاده کرده اند.

به نظر فرهنگ رجایی نکته مهم در " اندرزنامه نویسی" این است که اختصاص به گروه خاصی از متفکران ندارد. در حالی که شریعت نامه ها و فلسفه نامه ها اختصاصاً، به ترتیب، توسط فقها و فلاسفه تحریر شده اند، اندرزنامه ها گاه توسط فقیه، مثل نصیحة الملوك، گاه توسط دولتمرد، مثل سیاستنامه و گاه توسط ارباب فلسفه، مثل اخلاق جلالی، تحریر و ارائه گردیده اند.

اندرزنامه ها، که معمولاً به درخواست کسی به رشته تحریر درآمده اند، ادعا نمودند که حقیقت رفتار درست و مناسب در عرصه عمومی و بالاخص سیاست را کشف کرده اند و هر کس به بصیرت آنها گوش فرا دارد از مشکلات به دور و پیروزی با او قرین است. بنابراین

" هدف اندرزنامه ها ارائه چگونگی رفتار مناسب در " به چنگ آوردن" و " نگاه داشتن" قدرت است."

به نظر رجایی در طول تاریخ طولانی تحولات سیاسی نحوه نگرش به " سیاست" از سه رهیافت متأثر بوده است:

الف. رهیافت آرمان؛

ب. رهیافت قانون؛

ج. رهیافت قدرت؛

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۷۶

منظور از رهیافت آرمان نحوه نگرشی است که، در آن، ذهن مشغول جامعه کمال مطلوب است و در پی آن است که مختصات و ویژگیهای آن جامعه را به تصویر بکشد منبع و عوامل مهم تحلیل در چنین رهیافتی اسطوره، طریقت، فلسفه و یا انقلاب می باشد. از نظر این رهیافت جهان موجود نه فقط جهان مطلوبی نیست، بلکه جهانی است که باید از آن فرار نمود و به جای آن باید جامعه آرمانی را تصویر کرد که حتی اگر عملی نباشد حداقل نمونه و الگویی ارائه می کند.

دانشورانی که از رهیافت قانون به سیاست نظر می کنند پیش فرضشان این است که سیاست باید در چارچوب قواعد و مقرراتی که در جامعه مورد نظر آنها "مذهب مختار" است اعمال و اجرا شود. به همین دلیل سیاست یعنی تعریف، تفسیر و تحلیل قواعد و مقررات قانونی ای که قرار است جامعه بر اساس آن شکل گیرد، گاه این قانون منشأ اسطوره دارد، گاه منشأ سنت دارد و گاه میثاقهای موضوعی و یا قرارداد. این رهیافت نیز تا حدودی به دنبال ارائه طرح و تحقق وضع مطلوب است. مثال جالب این نوع رهیافت در کتاب سلوک الملوك فضل الله روزبهان خنجی مشهود است.

در رهیافت قدرت، منبع و عوامل تحلیل سیاسی نیروهای سیاسی موجودند و آنچه مهم است نه چون و چرایی در باره جوهر، گذشته و یا آینده نظام سیاسی، بلکه چگونگی کارکرد نظام سیاسی و تأثیر عوامل موجود در تولید و توزیع قدرت سیاسی مورد بحث است. به زبان علم امروز به سازگار آمریت توجه دارد و اینکه بهترین روش حفظ و نگاه داشت قدرت کدام است. اندرزنامه نویسی اکثراً با همین رهیافت مطالب خود را ارائه داده است. [در حالی که رهیافت آرمانی مربوط به فلسفه نامه ها و رهیافت قانونی حاکم بر شریعت نامه ها است.] از نظر روش بیان، باید گفت اندرزنامه ها بیانی هنری دارند، چنانکه از نظر نحوه صورت بندی مطالب، از روش حکمت و حکایت استفاده میکنند. کلیله و دمنه نمونه الگویی برای اندرزنامه نویسی در کل تاریخ ایران است. [۶]

فرهنگ رجائی در گفتار دوم از کتاب "معرکه جهان بینی ها" ادبیات و بویژه شعر را نیز یکی از بسترها و مجاری بروز اندیشه سیاسی در نزد ایرانیان دانسته است. و به دنبال همین فرضیه، به تحلیل اندیشه سیاسی نظامی و سعدی دست زده است. [۷]

رجائی در مقاله دیگری با عنوان "درآمدی بر افکار سیاسی و اجتماعی سده چهاردهم" يك

طبقه بندی پنج گانه ارائه کرده است. به نظر وی بررسی کلی تاریخ اندیشه سیاسی در عالم اسلام نشان می دهد که اندیشه سیاسی در این حوزه فکری، تا از همپاشی سیطره فرهنگ اسلامی، به طور کلی در قالب پنج شیوه برخورد بروز کرد که به ترتیب اهمیت و درجه الهام گرفتن از مبادی اسلامی عبارتند از:

۱. شیوه فقهاتی یا اندیشه فقها که در واقع، هم از دیگر رهیافتهای اسلامی تر و هم تأثیرش بیشتر بوده است؛
۲. شیوه ادبا یا اندیشه اندرزنامه نویسان که بیش از متفکران شیوه های دیگر با مسایل سیاسی روز درگیر بوده اند. به همین دلیل بعد از فقها، بیشترین تأثیر را در تاریخ سیاسی اسلام داشته اند.
۳. شیوه تاریخی متعلق به متفکرانی است که به مورخ معروف اند. قبل از آنکه "فلسفه تاریخ" و فیلسوف تاریخ، باب شود، آنان در روش کار خود از وقایع نگاری صرف فراتر رفته با آگاهی و دید عمیق به تاریخ نگاری در امور سیاسی نیز پرداخته اند و به این ترتیب منشأ آثار سیاسی مهمی شده اند. متفکرانی چون طبری (متوفی ۳۱۰)، مسعودی (متوفی ۳۴۵)، جوینی (متوفی ۶۸۱)، رشیدالدین فضل الله (۷۱۸) و ابن خلدون (متوفی ۸۰۸) از این دسته اند.
۴. شیوه عرفانی که متعلق به عرفای اسلامی است. حلاج (متوفای ۳۰۹)، شهاب الدین سهروردی (متوفای ۵۸۷)، ابن عربی (متوفای ۶۳۸) و نجم الدین رازی (متوفای ۶۵۴) در زمره این نخله هستند.
۵. شیوه فلسفی [۸]

به نظر رجائی گسستگی فکری که پس از آمدن غرب دچار آن شدیم موجب گردیده است تا این تقسیم بندی بی اعتبار شود. به نظر وی امروز با دو گروه عمده از متفکران مواجه هستیم:

۱. "دسته ای که هنوز در حال و هوای تفکر و جهان بینی قدیمی تنفس میکنند و از آن سنت الهام و فکر میگیرند"؛
۲. "گروهی که به جهت تجربه تحصیلی در واقع از غرب و سنت فکر و اندیشه غربی الهام میگیرند و از آن دید جهان و مناسبات را بررسی میکنند." به نظر وی، این تقسیم بندی نیز از آنجایی که "غرب" را محور تقسیم قرار داده است برای

تبیین تحولات اندیشه سیاسی در ایران گویا نیست. بر همین اساس ایشان با محور قرار دادن معضلات و مشکلات جامعه ایران چهار نوع اندیشه سیاسی را در دوره معاصر مورد شناسایی قرار داده است:

۱. اندیشه های سیاسی " دولتمدار"؛

۲. اندیشه سیاسی " دین مدار"؛

۳. اندیشه سیاسی " غرب مدار"؛

۴. اندیشه سیاسی " تمدن مدار". [۹]

۶- ۱. برخی دیگر قائلند که روند تفکر سیاسی در میان مسلمانان همچون تمدن اسلامی، از ابتدا تا کنون دو سیر کلی را طی نموده است: یکی سیر حیات تمدن و تفکر سیاسی اسلام و دیگری سیر تجدید حیات تمدن و تفکر سیاسی. هر يك از این دو خود مرکب از چند مرحله اصلی و نیز هر مرحله از دوره هایی تشکیل شده است.

سیر حیات تفکر سیاسی اسلام شامل مراحل زیر است:

۱. شکل گیری: از طلوع اسلام تا حدود پایان قرن سوم؛

۲. شکوفایی: از قرن ۴-۳ تا قرن ۸-۷ هجری؛

۳. مابعد شکوفایی و به قول ابن خلدون دوره " تراجع".

سیر تجدید حیات تفکر سیاسی اسلام شامل مراحل زیر است:

۱. بازخیزی، بازنگری و بازگشت؛

۲. انقلاب مشروطیت؛

۳. انقلاب اسلامی.

همان گونه که ملاحظه می شود، در بخش تجدید حیات، تقسیم بندی به سمت حوادث اتفاق افتاده در ایران گرایش پیدا کرده است. در نگاهی دیگر اهم نگرشها، گرایشها، جریانها، مکاتب و نظریات سیاسی که در عرصه تاریخ اندیشه سیاسی اسلامی به منصفه ظهور و بروز رسیده اند از این قرارند:

۱. نگرش، گرایش و مذاهب فقهی سیاسی؛

تبیین تحولات اندیشه سیاسی در ایران گویا نیست. بر همین اساس ایشان با محور قرار دادن معضلات و مشکلات جامعه ایران چهار نوع اندیشه سیاسی را در دوره معاصر مورد شناسایی قرار داده است:

۱. اندیشه های سیاسی " دولتمدار"؛

۲. اندیشه سیاسی " دین مدار"؛

۳. اندیشه سیاسی " غرب مدار"؛

۴. اندیشه سیاسی " تمدن مدار". [۹]

۶- ۱. برخی دیگر قائلند که روند تفکر سیاسی در میان مسلمانان همچون تمدن اسلامی، از ابتداتاکنون دو سیر کلی را طی نموده است: یکی سیر حیات تمدن و تفکر سیاسی اسلام و دیگری سیرتجدید حیات تمدن و تفکر سیاسی. هر يك از این دو خود مرکب از چند مرحله اصلی و نیز هرمرحله از دوره هایی تشکیل شده است.

سیر حیات تفکر سیاسی اسلام شامل مراحل زیر است:

۱. شکل گیری: از طلوع اسلام تا حدود پایان قرن سوم؛

۲. شکوفایی: از قرن ۴-۳ تا قرن ۸-۷ هجری؛

۳. مابعد شکوفایی و به قول ابن خلدون دوره "تراجع".

سیر تجدید حیات تفکر سیاسی اسلام شامل مراحل زیر است:

۱. بازخیزی، بازنگری و بازگشت؛

۲. انقلاب مشروطیت؛

۳. انقلاب اسلامی.

همان گونه که ملاحظه می شود، در بخش تجدید حیات، تقسیم بندی به سمت حوادث اتفاق افتاده در ایران گرایش پیدا کرده است. در نگاهی دیگر اهم نگرشها، گرایشات، جریانات، مکاتب و نظریات سیاسی که در عرصه تاریخ اندیشه سیاسی اسلامی به منصفه ظهور و بروز رسیده اند از این قراراند:

۱. نگرش، گرایش و مذاهب فقهی سیاسی؛

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۷۹

۲. نگرش، گرایش و مکاتب فلسفی سیاسی؛

۳. نگرش، گرایش و نظریات علمی سیاسی؛

۴. نگرش، گرایش و نحله های فقی سیاسی.

از زاویه ای دیگر دانش سیاسی مسلمین را می توانیم از دو حیث مورد تقسیم قرار دهیم:

الف. تقسیمات طولی؛

ب. تقسیمات عرضی.

از نظر طولی عبارت خواهد بود از فلسفه سیاسی، علم سیاسی، فقه سیاسی، فن سیاسی، تاریخ سیاسی و ...

از نظر عرضی بنیادی ترین تقسیم عبارت است از:

۱. مهندسی سیاسی؛

۲. مدیریت و رهبری سیاسی؛

۳. طب سیاسی (آسیب شناسی سیاسی، درمان شناسی سیاسی و ...). [۱۰]

روشن است که تقسیمات مذکور، از زوایای مختلف و مکمل هم محسوب می شوند.

۷- ۱. جهاد تقی صادق، از اساتید علوم سیاسی دانشگاه بغداد است. نامبرده با گرایش عربی به میراث اسلامی، محتوای اندیشه سیاسی مسلمین را به دو دوره قدیم و جدید تقسیم و هر کدام را در چهار گروه طبقه بندی کرده است:

الف. مشرب های کلاسیک

۱. گرایش فلسفی در سیاست (الاتجاه السياسي - الفلسفی)؛ همانند فارابی و ابن سینا.

۲. مشرب سیاسی - فقهی؛ همانند ماوردی و ابن تیمیه.

۳. مشرب سیاسی - کلامی؛ همانند قاضی عبدالجبار معتزلی و شریف مرتضی.

۴. گرایش سیاسی - اجتماعی، همانند ابن خلدون و ابن ارزق.

ب: مشرب های جدید (الفکر السياسي العربي الاسلامی فی عصر اليقظة العربيه)

۱. دیدگاه دمکراسی؛ به رهبری طهطاوی.

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۸۰

۲. دیدگاه انقلابی ضد استعماری؛ به رهبری سید جمال الدین اسدآبادی.

۳. مشرب اصلاح طلبی؛ به رهبری محمد عبده، محمد رشید رضا و کواکبی.

۴. جریان ناسیونالیسم عربی؛ به رهبری ساطع حصری. [۱۱]

۸- ۱. لمبتون معتقد است که مجموعه آنچه اندیشه سیاسی مسلمین می نامیم، اعم از اینکه از منابع اسلامی تغذیه کرده باشد یا نه، در سه دیدگاه قابل طبقه بندی است: نظریه فقها؛ نظریه فلاسفه و نظریه ادبی.

نظریه فقها: به اعتقاد وی این مجموعه از نظریات اسلامی ترین آنها است. اصول و پایه های نظریات فقها را آیات قرآنی سنت پیامبر (ص)، سیره و روش جامعه صدر اسلام و تفسیر این منابع در پرتو تحولات سیاسی متأخر تشکیل میدهد. در این مجموعه میتوان به نظریاتی برخورد که پایه های رسمی دولت را مورد بحث قرار میدهد و نیز میتوان ترسیم يك ایده آل مذهبی را ملاحظه کرد.

نظریه فلاسفه: این دسته از اندیشه ها "بیشتر مرهون فلسفه یونان است." فیلسوف مسلمان پادشاه را در قالب امام تعریف میکنند. این نوع اندیشه ها عمدتاً توسط دانشمندان شیعی، معتزلی و تا حد کمی توسط صوفیان بسط یافته است.

گروه سوم (نظریه ادبی) بر امتیاز و حق الهی شاهان تأکید میکند و بیشتر با عمل حکومت سروکار دارد تا با تئوری آن.

[۱۲]

۹-۱. سید جواد طباطبایی در مقدمه "درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران" آورده است که "اندیشه های سیاسی، به اعتبار نسبتشان با دورانهای تاریخی، یا به دوران قدیم تعلق دارند و یا به دوران جدید".

وی در ادامه می افزاید:

مجموع اندیشه سیاسی ایران به دوران قدیم تعلق دارد و قادر نیست طبیعت و ماهیت دوران جدید را مورد تفکر قرار دهد. به عبارت دیگر تجدد، به معنای تفکر درباره طبیعت و ماهیت

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۸۱

دوران جدید و درک مفهومی آن، از اندیشه ما غایب است.

به نظر می رسد طباطبایی طبقه بندی "قدیم" و "جدید" را از لغو اشتراوس اخذ کرده باشد. اشتراوس در کتاب "فلسفه سیاسی چیست؟" بحث مبسوطی در باره فلسفی سیاسی کلاسیک و آنچه پس از رنسانس جانشین آن شده آورده و به تفصیل به نقد و بررسی آنچه مدعی جانشینی فلسفه سیاسی کلاسیک می باشد پرداخته است. [۱۳]

به زبان طباطبایی، مبنای تفکر در دوران جدید سلطه بر عالم و آدم است، در حالی که در تفکر دوران قدیم، تصرف در طبیعت و سلطه بر آدم اصولاً قابل طرح نیست. وی معتقد است که بررسی تاریخ اندیشه سیاسی قدیم ما را به سه وجه و چهره مختلف و متنوع این اندیشه آشنا میکند:

الف. فلسفه سیاسی: به نظر طباطبایی ماهیت فلسفه سیاسی روئیده در قلمرو اسلامی (مثل فلسفه سیاسی فارابی) با ماهیت فلسفه سیاسی قدیم غربی یکی است و آن همان احکامی را دارد که این. اما نسبت این فلسفه سیاسی با فلسفه های سیاسی غربی در دوران جدید نسبت تباین است.

ب. سیاستنامه نویسی: فیلسوفان سیاسی اهل تفکرند، در حالی که سیاستنامه نویسان در بهترین حالت به تأمل در امر سیاسی می پردازند و لا غیر. محور اصلی تحلیل سیاستنامه (مثل سیاستنامه خواجه نظام الملک طوسی) فرمانروا است. سیاستنامه نویس تمام هم خود را مصروف این امر می کند که راه و رسم فرمانروایی، یا به بیان دقیق تر، بهترین شیوه حفظ قدرت سیاسی رانشان دهد و در این راه تمامی شؤون و ساحتهای دیگر حیات اجتماعی را در خدمت قدرت سیاسی قرار میدهد.

يك موضوع مشترك میان فیلسوفان سیاسی و سیاستنامه نویسان مفهوم "عدالت" است درحالی که تفسیر و برداشت هر کدام از این دو نحله با دیگری متفاوت است. عدالت در نزد فیلسوفان سیاسی قدیم به نظمی توجه دارد که در مجموعه آفرینش وجود دارد، در حالی که در سیاستنامه ها عدالت در درون گفتاری مورد بحث قرار میگیرد که توجه به تغلب یا سلطه سیاسی (domination) دارد و نه به فضیلت و سعادت در جامعه.

ج. شریعت نامه: نوع دیگر نوشته های مربوط به اندیشه سیاسی را شاید بتوان به مسأله "شریعت نامه" نامید. این نوشته ها شریعت را در کانون تفسیر خود قرار میدهند. به نظر آقای

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۸۲

طباطبایی، اغلب این کتابها، و شاید همه آنها، مطابق فقه حنفی و شافعی نگارش یافته اند و کتاب سلوک الملوك فضل الله بن روزبهان خنجی یکی از با معناترین آنهاست. [۱۴]

طباطبایی در کتاب دیگر خویش؛ یعنی "خواجه نظام الملک" مجرای بروز و ظهور سیاستنامه های دوره اسلامی را در پنج گرایش طبقه بندی قرار داده است:

۱. نوشته های سیاسی، به معنای دقیق کلمه یا سیاستنامه ها؛ (که سیاستنامه خواجه نظام الملک طوسی بهترین نمونه آن است). این نوشته ها ادامه طبیعی آیین نامه ها و اندرزنامه های دوره باستانی است، چه اینکه اینها از عمده ترین منابع سیاستنامه های دوره اسلامی هستند. تاج نامه نویسی یکی از گونه های پراهمیت سیاستنامه نویسی در نخستین سده های اسلامی است. در هر حال تاریخ سیاستنامه نویسی در ایران به دو دوره پیش و پس از سیاستنامه خواجه تقسیم میشود.

۲. [وزارت نامه ها]؛ نوشته های مربوط به سیرت و تاریخ وزیران را می توان پس از کتابهای مربوط به سیر الملوك از پراهمیت ترین گرایشهای سیاستنامه نویسی سنت اندیشه سیاسی ایران شهری دانست. به جرأت می توان گفت شمار وزارت نامه ها از سیاستنامه ها کمتر نیست. کتاب الوزراء و الکتاب جهشیاری، تحفة الوزراء ثعالی و قوانین الوزارة و سیاست الملک ماوردی، از مهمترین این نوع مکتوبات است.

۳. کتابهای تاریخی؛ از منابع پراهمیت برای تاریخ اندیشه سیاسی کتابهای تاریخی دوره اسلامی است. نوشته هایی مانند تاریخ بیهقی و تجارب الامم ابوعلی مسکویه رازی در شمار اصیل ترین منابع تاریخ اندیشه سیاسی هستند. چنانکه آن دسته از کتابهای تاریخی که فصلی را به مباحث مربوط به اندیشه سیاسی اختصاص داده اند نیز نباید مورد غفلت قرار گیرند. از این گونه نوشته ها است کتاب ارزشمند الفخری فی الاداب السلطانیة و الدول الاسلامیه ابن طقطقی.

۴. دریافت عرفانی اندیشه سیاسی؛ اگرچه اندیشه عرفانی از بنیاد، اندیشه ای ناسیاسی است [۹]، اما برخی از نوشته های عرفانی، از نوعی دریافت عرفانی اندیشه سیاسی ایران شهری خالی نیست. به نظر میرسد مهمترین نوشته در این زمینه مرصاد العباد نجم الدین رازی است. ذخیره الملوك میر سید علی همدانی، مجمع البحرين شمس الدین ابراهیم ابرقوهی، ساز و پیرایه شاهان پرمایه باب افضل کاشانی تماماً از همین نوع است.

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۸۳

۵. کتابهای مربوط به ادب به معنای دقیق؛ در میان سیاستنامه ها از اهمیت خاصی برخوردارند. پراهمیت ترین و کهن ترین این نوشته ها کیلیله و دمنه است، که نوشته های بسیاری به تقلید و یا به تبع او به نگارش درآمده اند. [۱۵]

۲. طبقه بندی های ویژه اندیشه سیاسی شیعه

۱-۲. مظفر نامدار معتقد است که در میان معارف شیعه سه مکتب یا سه نحوه نگرش نسبت به سیاست وجود دارد. این سه مکتب عبارتند از: مشرب کلامی سیاست؛ مشرب فلسفی سیاست و مشرب فقهی سیاست.

این سه مکتب چهار دوره تاریخی را تاکنون سپری کرده اند:

۱. دوره تکوین سیاست در علم کلام یا مشرب کلامی سیاست این دوره از زمان رحلت پیامبر اسلام (ص) آغاز و تا حدود بیش از ۴۰۰ سال بر اندیشه سیاسی شیعه حاکم است. در این دوره بیشترین تأملات سیاسی متأثر از علم کلام و در خصوص ولایت، خلافت، امامت، عدالت، جبر، آزادی، اختیار، حسن و قبح عقلی، سنتهای الهی و مباحثی نظیر اینها پایه ریزی شد.

۲. دوره تکوین سیاست در فلسفه یا مشرب فلسفی سیاست زمزمه های تکوین این دوره تقریباً از حدود قرن دوم هجری آغاز و تا حدود سال ۸۰۰ هـ. ق ادامه داشته است.

۳. دوره تکوین سیاست در فقه یا مشرب فقهی سیاست این دوره از حدود سالهای ۷۰۰ هـ. ق آغاز و تا اواسط قرن ۱۳ هـ. ق بر حیات سیاسی شیعیان سایه افکنده است.

۴. دوره بازگشت سیاست به جایگاه خود در علم کلام و اصول دین. [۱۶]

۲-۲. به نظر برخی دیگر فقه سیاسی شیعه از آغاز غیبت صغری تاکنون چهار مرحله را سپری کرده است:

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۸۴

۱. عصر شکوفایی فقه خصوصی: این مرحله که از اوایل قرن چهارم تا آغاز قرن دهم هجری را در بر میگیرد، دوران تأسیس، رشد و شکوفایی فقه فردی است و هنوز به فقه عمومی، مسایل سیاسی و حقوق اساسی عنایت نشده است. اگرچه واژه هایی از قبیل حاکم شرع، سلطان و امام و یا مباحثی از قبیل امر به معروف و نهی از منکر، قضاوت، اقامه حدود شرعی، خمس و زکات، اقامه نماز جمعه و ... مورد بحث فقها بوده است. با این حال این نظر معتقد است اگرچه از بعضی کلمات شیخ مفید در کتاب المقنعه چه بسا اشارتی به مباحث حکومت را بتوان استظهار کرد.

۲. عصر سلطنت و ولایت: این مرحله که از قرن دهم تا سیزدهم هجری را در بر میگیرد، از برتخت نشستن صفویان آغاز و با شروع نهضت مشروطه پایان میپذیرد. شاخصه آن رسمیت مذهب تشیع در ایران و قدرت نسبی فقها در عصر صفوی و قاجاری است. طبق این نظر آنچه به شکل سنتی تا اوایل قرن سیزدهم به عنوان "ولایت فقیه" در فقه شیعه مطرح بوده هرگز به معنای نظریه دولت و نگرش به امر حکومت و سیاست نبوده است. در عین حال نویسنده خاطر نشان کرده است که "اولین فقیهی که می توان در کلمات وی نشانه های مقدماتی یک نظریه دولت را احتمال داد محقق کرکی (متوفای ۹۴۰) فقیه عصر صفوی است". وی در اثبات ولایت فقیه و محدوده اختیارات وی، به مقبوله عمر بن حنظله استناد میکند.

۳. عصر مشروطیت و نظارت: این مرحله از اوایل قرن چهاردهم هجری آغاز میشود. مواجهه فقها با مفاهیم سیاسی متعدد و متنوعی چون حقوق مردم، آزادی، عدالت، نظارت، استبداد، تفکیک قوا، مساوات، وکالت، رأی، قانون و مشروطه باعث رویکردهای مختلفی در بین آنان شد.

۴. عصر جمهوری اسلامی: این مرحله از اواخر قرن چهاردهم هجری قمری آغاز میشود. در تاریخ فقه شیعه، امام خمینی (ره) نخستین فقیهی است که توفیق تشکیل "دولت" یافت. از مهمترین عوامل توفیق امام، نظریه خاص ایشان در باب حکومت اسلامی است. به نظرایشان اقامه حکومت اسلامی بزرگترین "معروف" است. از جمله امتیازات امام خمینی (ره) در اندیشه سیاسی این است که ایشان در میان قائلین به "مبنای مشروعیت الهی بلاواسطه" نخستین فقیهی است که با "دولت" به عنوان یک "نهاد" برخورد کرده است. [۱۷]

۳-۲. در دایرة المعارف تشیع در يك نگرش کلی و تاریخی ادوار مهم سیر تحول اندیشه سیاسی شیعی به پنج دوره تقسیم شده است:

۱. دوران امامت (۱۰- ۳۲۹ ق) در این دوره، فلسفه و اندیشه سیاسی شیعی حول محور امیرالمؤمنین علیبن ابیطالب (ع) و سپس یازده تن از فرزندان و نوادگانش شکل گرفت و به تدریج در طول ۲۵۰ سال تثبیت شد. به لحاظ تاریخی میتوان آغاز این دوره را همان ماجرای "سقیفه" دانست.

۲. دوران رویکرد به سلطان عادل (۳۲۹- ۹۰۵ ق) در این دوره پرسش این است که آیا می توان با فرمانروای عادل و یا ظالم همکاری کرد؟ به نظر نویسنده پاسخ فقیهان برجسته ای چون سید مرتضی، شیخ طوسی و ابن ادریس حلی به این پرسش مثبت بود. سید مرتضی در رساله کوتاه، اما مهم "فی العمل مع السلطان" کار کردن برای سلطان ظالم را با شرایطی، از جمله امر به معروف و نهی از منکر و اقامه حق و دفع باطل، جایز و گاه واجب دانسته است، توجیه وی برای چنین کاری این است که در ظاهر این ولایت از جانب ظالم ولی در واقع از جانب امامان معصوم به علما اعطا شده است.

در مجموع می توان گفت که در این دوره تلاش عمده متکلمان و سیاسی اندیشان شیعی مصروف تفسیر و تحکیم مبانی نظری امامت و ولایت و ردّ و نقد آراء متکلمان سنی در این باب شد. مسأله مهدویت و انتظار فرج به صورت اصولی بنیادین در فکر سیاسی و دینی شیعی در آمد. در عمل نیز رویکرد به همکاری با سلطان وقت اعم از عادل و ظالم صبغه اصلی فقیهان شیعی شد.

۳. دوران مشروعیت دادن به سلطان عادل (۹۰۵- ۱۳۲۴ ق) با به قدرت رسیدن صفویان، که ترکیبی از تشیع، تصوف و ملیت بودند، پرسش تازه ای در برابر علمای شیعه قرار گرفت و آن این بود که آیا می توان حکومت غیر معصوم، هرچند شیعه و سید و عادل را حکومت شرعی دانست؟ در پاسخ به این پرسش سه نظریه شکل گرفت:

الف. همچنان هر سلطان غیر معصوم جائز است و هر نوع یاری رساندن به وی حرام؛

ب. باید بین سلطان عادل و جائز فرق قایل شد، با سلطان عادل میتوان همکاری کرد.

ج. قدرت و حکومت پادشاه عادل مشروع است.

این طبقه بندی نظریه سوم را به محقق کرکی منتسب کرده است، در صورتی که در کلمات و

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۸۶

مکتوبات محقق کرکی، نه تنها چنین چیزی یافت نمی شود بلکه مطالبی در جهت عکس آن وجود دارد. نظریه اول را به قطیفی، مقدس اردبیلی و ملاصدرا نسبت داده است. در حالی که برای نظر دوم از کسی یاد نکرده است. به نظر میرسد نظریه چهارمی در این دوره وجود داشته است که از نظر نویسندگان دور مانده است. آن نظریه که مد نظر محقق کرکی، مقدس اردبیلی، محقق سبزواری، علامه مجلسی، شیخ بهایی و بسیاری از علمای بزرگ این دوره بوده عبارت است از این که همچنان هر سلطان فاقد شرایط نیابت از معصوم جائر است و همکاری با این سلاطین در جهت امر به معروف، جلوگیری از ظلم و در کل انجام وظایف شرعی جایز و بلکه در برخی موارد واجب است. [۱۸]

۴. دوران رویکرد به حکومت مردمی و عرفی (۱۳۲۴ ق. ۱۳۵۸ ش) در این دوره کسانی چون آخوند خراسانی، محمد حسین غروی نائینی و سید محمد طباطبایی به دفاع از حق حاکمیت مردم و مشروطه برخاسته و کوشیدند تا به نوعی بین مبانی مقبول و قطعی دین و فقه شیعی با مبانی مشروطه سازگاری ایجاد کنند و با وجود سلطنت، حکومت ملی و مردمی را از طریق مجلس شورا و تفکیک قوا و تدوین قانون اساسی تحقق بخشند.

۵. دوران آغاز ولایت فقیه (۱۳۵۸ ش) امام خمینی در سال ۱۳۴۸ ش نظریه "ولایت فقیه" را مطرح کرد و برای نخستین بار [؟!] پیشنهاد کرد که برای تشکیل حکومت اسلامی و اجرای قوانین شرعی، فقیهان شخصاً حکومت را به دست بگیرند. ایشان برای تحقق این امر سلطنت را از بنیان نامشروع و غیر اسلامی اعلام کرد. [۱۹] البته نویسندگان در ارائه پیشینه اندیشه "ولایت فقیه" دچار غفلت شده است.

۳. ملاحظات

نقد طبقه بندیهای مذکور فرصت دیگری را می طلبد، در عین حال به پاره ای ملاحظات در اینجا اشاره میکنیم. برخی از ملاحظات وجود دارد که بر تمامی طبقه بندیهای مذکور وارد است که در ابتدای طبقه بندی پیشنهادی اشاره مختصری به آن خواهیم داشت و برخی از ملاحظات به هر طبقه بندی به طور خاص متوجه است که هم اینک به ترتیب به آن اشاره میشود.

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۸۷

۱- ۱- ۳. به نظر میرسد در طبقه بندی نصر محمد عارف، بویژه در مورد منابعی که مشتمل بر مباحث سیاسی هستند، جای آثار اخلاقی خالی باشد.

۲- ۱- ۳. اولاً مفهوم "فلسفه سیاسی" در این طبقه بندی روشن نیست چه مرادی از این مفهوم اراده شده است، به هر حال آنچه آقای محمدرضا حکیمی مراد کرده اند کاربرد عمومی در میان اهل فن ندارد. ثانیاً بر اینجانب روشن نشد که چگونه ایشان کتابهای موسوم به الاحکام السلطانیه را در ردیف آثار مربوط به فلسفه سیاسی کلامی قرار داده است و نه در ردیف آثار مربوط به فلسفه سیاسی فقهی؟ بویژه که ایشان به درستی ولایت فقیه امام خمینی (ره) و تنبیه الامه آیه الله نائینی را در ردیف آثار مربوط به فقه سیاسی قرار داده است.

۳- ۱- ۳. اساساً روشن نیست آقای علی اصغر حللی بر اساس روش دست به تقسیم زده است یا براساس موضوع یا بر اساس حاملان علوم؟! البته در بیشتر طبقه بندیها این مشکل به چشم میخورد.

۴- ۱- ۳. این طبقه بندی بسیار مغشوش است. طبقه اول (مکاتب سیاسی اسلام بر اساس مذاهب اسلامی) بسیار فراگیر است و به همین خاطر جایی برای ذکر طبقه دوم (مکاتب سیاسی اسلام بر اساس مذاهب اعتقادی و کلامی) نمیگذارند، چه دومی در اولی وجود دارد. طبقه سوم (مکاتب سیاسی اسلام بر اساس مکاتب حقوقی و فقهی) هم بخشی از طبقه اول است.

۵- ۱- ۳. فرهنگ رجایی چند طبقه بندی ذکر کرده است. اولین طبقه بندی ایشان مربوط به تفکیک رهیافتها به سه رهیافت قانون، آرمان و قدرت میشود، سؤالی که اینجا به ذهن میرسد این است که اساساً این تفکیک چگونه تفکیکی است. آیا این رهیافتها مانعاً الجمع هستند؟ به نظر میرسد چنین نباشد. به نظر نگارنده این رهیافتها میتوانند در طول هم قرار داشته باشند. اصولاً رهیافت مصلحان چنین رهیافتی است؛ هم به قدرت توجه دارند، هم به قانون و هم به آرمان.

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۸۸

چون این سه رهیافت مربوط به سه فعل هستند که آن سه فعل با هم قابل جمع اند و مشکلی هم در جمعشان نیست، موضوع رهیافت ایده آل فعل آرمانی است. موضوع رهیافت قانون، فعل مشروع است و رهیافت قدرت اشاره به ابزار انجام افعال دارد. البته درست است که این افعال میتوانند غیر مشروع هم باشد. طبقه بندی پایانی ایشان (اندیشه های سیاسی دولتمدار، دین مدار، غرب مدار و تمدن مدار) این اشکال بزرگ را دارد که مقسمها قسیم هم نیستند و بنابراین تقسیمی محدود، کاربردی و غیر دقیق است.

۶- ۱- ۳. طبقه بندی علیرضا صدرا طبقه بندی خوبی است.

۷- ۱- ۳. در این طبقه بندی نکته مهمی که وجود دارد، ذکر مشرب اصلاح طلبی است، اگر تقسیم بندی ایشان به کلاسیک و جدید را نادیده بگیریم و علی رغم خواسته ایشان مشرب اصلاح طلبی را به عصر کلاسیک هم تعمیم دهیم، میتوانیم بگوییم تا حدی قابل استفاده است.

۸- ۱- ۳. طبقه بندی لمبتون از پایه ای منطقی برخوردار نیست. چون ایشان مباحث سیاسی مطرح شده در هر دانش را به همان دانش نسبت داده است. حتی همین کار را هم اگر ایشان کرده باشد سؤال این است که چرا از میان دانشها فقط به ذکر فقه و فلسفه و ادبیات اکتفا شده و از دانشهایی مانند تاریخ و عرفان و اخلاق و ... نامی نیامده است. ملاحظات دیگری بر این نظریه وجود دارد که مجال ذکر آنها در اینجا نیست.

۹- ۱- ۳. سید جواد طباطبایی از يك سو ادعا میکند که "مجموع اندیشه سیاسی ایران به دوران قدیم تعلق دارد" و از سوی دیگر معتقد است که "مبنای تفکر در دوران جدید سلطه بر عالم و آدم است، در حالی که در تفکر دوران قدیم، تصرف در طبیعت و سلطه بر آدم اصولاً قابل طرح نیست." با این حال ایشان به گونه ای "سیاستنامه ها" را توضیح داده است که سخن ایشان دچار تناقض میشود. وی در توضیح سیاستنامه ها آورده است که "محور اصلی تحلیل سیاستنامه فرمانروا است. سیاستنامه نویس تمامی هم خود را مصروف این امر میکند که بهترین شیوه حفظ قدرت سیاسی را نشان دهد." بنابراین نتیجه می گیریم که طبق تفسیر ایشان سیاستنامه ها که

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۸۹

متعلق به دوران قدیم اندیشه سیاسی هستند سودای سلطه بر عالم و آدم را داشته اند!؟

۲- ۳. ملاحظات طبقه بندیهای ویژه اندیشه سیاسی شیعه

۱- ۲- ۳. این تقسیم مغشوش و فاقد پشتوانه علمی است. تاریخ نیز مؤید آن نمیتواند باشد. اولاً نگرشهای دیگری نیز در میان اندیشمندان شیعه به سیاست وجود داشته است، نگرشهایی که فقهی و کلامی و فلسفی نیست، بلکه علمی، تجربی، عرفانی و ادبی است، و ثانیاً دوره های تاریخی مورد نظر ایشان قابل خدشه جدی است. فی المثل طبق نظر ایشان روضه الانوار عباسی باید اثری مربوط به مشرب فقهی باشد، در صورتی که میدانیم جنبه های غیر فقهی این اثر، غالب است.

۲- ۲- ۳. مشکل این طبقه بندی این است که اندیشه سیاسی شیعه رامساوی فقه سیاسی گرفته است و پس از بحثی کوتاه در باره تاریخ فقه سیاسی، در باره اندیشه سیاسی شیعه نتیجه گیری کرده است.

به عنوان مثال دوره اول، که از قرن چهارم تا قرن دهم را شامل میشود، عصر شکوفایی فقه خصوصی نام گرفته است. در صورتی که نویسنده می توانست سراغ اندیشه سیاسی شیعه را در آثار فارابی، بوعلی سینا و خواجه نصیرالدین طوسی هم بگیرد. اساساً رییس سنت که مورد توجه فارابی است و رهبر دوره ای است که رییس اول و رییس دوم حضور دارند، کسی نیست جز فقیه. چنانکه فارابی خود به این نکته تصریح کرده است. [۲۰]

چهار طبقه مذکور توسط وی قسیم یکدیگر نیستند و مثلاً شکوفایی فقه خصوصی هیچ منافاتی با عصر سلطنت و ولایت یا مشروطیت و نظارت ندارد. چنانکه سلطنت و ولایت هم با بحث مشروطیت و نظارت قسیم هم نیستند؛ فی المثل ولایت می تواند نظارتی باشد و سلطنت مشروطه.

۳-۲-۳. طبقه بندی دایرة المعارف تشیع نیز مشکلاتی دارد، به برخی از این مشکلات که مربوط به برداشتهای نویسنده از سخنان برخی از علما بود، در همان جا که طبقه بندی ایشان آمد، اشاره شد.

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۹۰

به پاره ای دیگر در اینجا اشاره میشود.

از جمله اشکالات مهم این طبقه بندی این است که بخشهایی از اندیشه سیاسی شیعه را که توسط غیر فقها ارائه شده است مورد توجه قرار نداده است بویژه مباحثی را که فیلسوفان سیاسی همچون فارابی، بوعلی سینا و خواجه نصیرالدین ارائه کرده اند.

به زبان نویسنده، اندیشه سیاسی محمدباقر سبزواری مشهور به محقق سبزواری (۱۰۱۷-۱۰۹۰ هـ. ق) مربوط به " دوران مشروعیت دادن به سلطان عادل" است. در حالی که تا آنجا که به اندیشه سیاسی سبزواری مربوط میشود، این نظر از جهتی نادرست و از جهتی درست است. اگر منظور این باشد که سبزواری شاهان صفوی را، یا لاقلاً برخی از آنها را، عادل میدانسته است و در نتیجه حکومت آنها را مشروع دانسته است، چنین چیزی نادرست بوده و هیچ دلیل و سندی بر آن نمیتوان یافت. چنانکه نویسنده نیز ارائه نکرده است. اما اگر منظور این باشد که سبزواری در عالم نظر قایل است به اینکه در دوران غیبت می توان حاکم عادل داشت، البته چنین چیزی درست است، همان گونه که در جای دیگری به تعریف حاکم عادل از نگاه سبزواری پرداخته ام. [۲۱] به نظر سبزواری پادشاهی که کارکرد حاکم عادل را داشته باشد (یعنی وظایف چهارده گانه ای را که سبزواری مشخص کرده است انجام دهد) و از مجتهد جامع الشرایط هم پیروی کند، چنین حاکمی عادل است. گفتنی است که تطبیق وظایف حاکم عادل بر عملکرد شاهان صفوی نشان میدهد که هیچ يك از آنان چنان عملکردی نداشته اند و بلکه نظر سبزواری به تعلیق محال اشبه است.

۴. طبقه بندی پیشنهادی

به نظر می رسد در بیشتر طبقه بندیهای مذکور از این نکته غفلت شده است که سیاست پدیده ای چند لایه و دارای ابعاد و زوایای مختلف است و از دیدگاههای مختلف قابل مطالعه، پژوهش و بررسی است. اگر سیاست دارای سطوح مختلف و متنوعی است و در زوایای مختلف زندگی انسان جریان دارد، پس به عنوان يك موضوع ممکن است از زوایای مختلف هم به آن نگاه شده باشد. از سوی دیگر اغلب پژوهشگران مذکور متأثر از مباحث روش شناختی امروز به میراث گذشته نگاه کرده اند. اینان تلاش زیادی کرده اند تا يك طبقه بندی روشنی از متون گذشته ارائه کنند، در صورتی که گذشتگان بر تفکیک موضوعی پدیده ها از یکدیگر اصرار داشته اند و

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۹۱

درتفکیک حوزه دین و فلسفه و علم تجربی و عرفان و .. از یکدیگر حساسیت دانشمندان امروز رانداشته اند. بر همین اساس مشاهده می شود که هرگاه از پدیده ای مثل سیاست، می خواهند سخن بگویند، هم به برداشتهایشان از دین استناد می کنند، هم به سخن فلاسفه یونان و عالم اسلام، هم به تاریخ ایران باستان، هم به مباحث اخلاقی و عرفانی و ...

به عنوان مثال، کتاب روضة الانوار عباسی چنین است. [۲۲] البته مورد انکار نیست که برخی از آثار سیاسی را شاید بتوان با لحاظ روشی هم مربوط به يك حوزه مستقل دانست؛ مثل بسیاری از آثار سیاسی فارابی، اما روضة الانوار و بسیاری از آثار سیاسی چنین نیست. روضة الانوار سبزواری معجونی است از پند و اندرز، آیات قرآن، احادیث پیامبر و ائمه (ع)، گفته های فیلسوفان و طبیبان و دبیران و مشاهیر، حکایات کوتاه و بلند، تفسیر و اوضاع زمان مؤلف. اما همه این مطالب حول يك محور دور می زند و آن چیزی نیست جز سیاست و آیین مملکت داری و تلاش برای اصلاح تشکیلات حکومتی و بویژه اصلاح رفتار شخصی شاه.

هدف نویسنده این است که يك طبقه بندی معطوف به هدف و غایت را، درباره متون سیاسی اسلامی، ارائه کند. طبق این طبقه بندی آثار سیاسی اسلامی، به هر مذهبی و فرقه ای که تعلق داشته باشند، در یکی از طبقات زیر قرار میگیرد:

۱. اندیشه های سیاسی انقلاب؛

۲. اندیشه های سیاسی اصلاحی؛

۳. اندیشه های سیاسی تغلی و استبدادی.

اندیشه های سیاسی انقلابی در صدد تغییر دادن صد در صد اوضاع هستند. این اندیشه ها عمدتاً مربوط به دوران معاصر هستند. گرچه اندیشه سیاسی اسلام در صدر اسلام نیز يك اندیشه انقلابی بود. انقلاب در اینجا در اصطلاحی فراتر از تعاریف مشهور مورد توجه است. اندیشه های سیاسی اصلاحی، اندیشه هایی هستند که از وضع موجود راضی نیستند و برای رسیدن به وضع مطلوب ارائه طریق میکنند. اندیشه اصلاحی خود دارای طیفهای متنوع و گوناگونی است. وجه مشترک این اندیشه ها این است که همگی خواستار انجام اصلاحاتی در وضعیت سیاسی مملکت هستند، به نظر نگارنده اندیشه سیاسی سبزواری از این قبیل است. [۲۳]

اندیشه های سیاسی تغلّبی در صدد توجیه وضع موجود هستند. مهمترین شاخص مشترک این اندیشه ها، توجیه تغلّب، استبداد، حکومت زور و منافع خودکامگان است. تز این اندیشه گران این

فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ص: ۹۲

بوده است که الحقّ لمن غلب. نگارنده تلاش کرده است تا در مقاله دیگری، گفتنهای سه گانه مذکور را، از زوایای مختلف مورد بحث قرار دهد. این مقاله درآمدی بود برای آن بحث، اگر نگارنده توانسته باشد توجه پژوهشگران حوزه اندیشه سیاسی اسلامی را به این سنخ از مباحث، که جایگاه بسیار مهمی در مباحث روش شناختی اندیشه های اسلامی دارد، جلب کند، موفق بوده است.

پی نوشت ها:

[۱]- نصر محمدعارف، فی مصادر التراث السياسي الاسلامی، دراسة فی شکالیة التعليم قبل الاستقرار والتأصيل. این کتاب به نحو شایسته ای توسط آقای محمدتقی سبحانی معرفی شده است. ر. ک به: محمدتقی سبحانی، فصلنامه نقد و نظر، میراث سیاسی مسلمانان (کتابشناسی و ملاحظات روش شناختی)، سال دوم، شماره ۳ و ۴، در اینجا از مقاله آقای سبحانی استفاده شده است.

[۲]- محمدرضا حکیمی، دانش مسلمین، صص ۲۶۶-۲۷۰.

[۳]- علی اصغر حلبی، تاریخ اندیشه های سیاسی در ایران و جهان اسلامی، صص ۱۲-۱۴.

[۴]- همان، ص ۱۴.

[۵]- ابوالفضل عزتی، سیاست در اسلام، صص ۱۳۸-۱۳۹.

- [۶]- فرهنگ رجائی، معرکه جهان بینی ها (در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان)، صص ۲۸-۱۷.
- [۷]- همان، صص ۳۷-۳۸ و ۵۱-۵۲.
- [۸]- همان، صص ۱۲۸-۱۳۱.
- [۹]- همان، صص ۱۳۰-۱۳۱ و ۱۴۴-۱۵۴.
- [۱۰]- علی رضا صدرا، نگارشها و گرایشهای فکری- سیاسی متفکران مسلمان؛ کتابی است در دست انتشار.
- [۱۱]- الدكتور جهاد تقی صادق، الفكر السياسي العربي الاسلامی دراسة فی ابرزالاتجاهات الفكریه) این در فصلنامه "حکومت اسلامی"، سال اول، شماره دوم معرفی شده است.
- [۱۲]- آن. کی. اس. لمبتون، دولت و حکومت در اسلام. ترجمه و تحقیق: سید عباس صالحی و محمدمهدی فقیهی، مقدمه.
- [۱۳]- لئو اشتراوس، فلسفه سیاسی چیست؟، ترجمه فرهنگ رجائی، صص ۱-۱۳.
- [۱۴]- سیدجواد طباطبایی، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، صص ۱۲-۳۷.
- [۱۵]- سیدجواد طباطبایی، خواجه نظام الملک، صص ۸۶-۱۱۷.
- [۱۶]- مظفر نامدار، رهیافتی بر مبانی مکتبها و جنبشهای سیاسی شیعه در صد ساله اخیر، صص ۸۲-۱۰۸.
- [۱۷]- نظریه های دولت در فقه شیعه، صص ۱۳-۲۵.
- [۱۸]- نك به: شیخ بهایی، عمل قرطاس، برگ ۲؛ محقق اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۸، ص ۷۱.
- [۱۹]- دائرة المعارف تشیع، تشیع- اندیشه های سیاسی، بنیاد خیریه و فرهنگی شط، تهران، ۱۳۷۳، صص ۳۴۹-۳۶۳.
- [۲۰]- فارابی، رساله الملله، ص ۵۰.

[۲۱] - نگاه کنید به: اندیشه سیاسی سبزواری، نجف لك زایی، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع)، قم، ۱۳۷۷، (پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، بحث حاکم عادل).

[۲۲] - در جای دیگری در باره اندیشه سیاسی سبزواری و کتاب روضة الانوار سبزواری سخن گفته ام؛ نگاه کنید به: فصلنامه حکومت اسلامی، درآمدی بر اندیشه سیاسی محقق سبزواری، شماره ۵. و فصلنامه علوم سیاسی، روضة الانوار عباسی و رابطه مجتهد و سلطان، شماره ۱. نیز کتاب روضة الانوار عباسی توسط نگارنده احیا شده و منتظر انتشار است.

[۲۳] - نگارنده در رساله اندیشه سیاسی محقق سبزواری به تفصیل به تز مذکور پرداخته است.^۲

^۲ دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، ۶۲ جلد.